

ORIGINAL ARTICLE

Stability factors of Kerman Seljuk Sultanate

Mehrdad Ronaghi^{1*}, Javad Sakha², Masoud Mohammadi³

¹Ph.D.student of Iranian Islamic history, Department of History, Islamic Azad University, Abhar branch, Abhar, Iran.

²Department of History, Islamic Azad University, Abhar branch, Abhar, Iran

³Assistant Professor of History Department, Farhangian University, Qazvin, Iran.

Correspondence

Mehrdad Ronaghi

Email:

Mehrdadronaghi_202020@gmail.com

How to cite

Ronaghi, M., Sakha, J., & Mohammadi, M. (2023-2024). Stability factors of Seljuk local government Kerman. *Iran Local Histories*, 12 (1), 137-148.

ABSTRACT

The Kerman Seljuk Sultanate or Al-Qaward (432-583 AH), one of the most important local governments in Seljuk history, was formed by Qaward in Kerman and controlled Kerman to the coast of Oman for one hundred and fifty years. It was the source of changes in the economy and land and sea trade; so that during this period, Kerman became one of the commercial bases in the territory of the Great Seljuk. Although due to the challenge between Sultan Malik Shah and Qaward, the founder of the Kerman Seljuk, several wars took place which caused a strain in the their relations, but finally they made peace and Al-Qaward tried not to interfere in the conflicts between the princes and the central government. This study aimed to identify the factors of survival and continuity of this local dynasty during the critical period after the death of Malek Shah. The results showed that the political attitude of Qaward's successors towards the central government in not intervening in the Seljuk conflicts and their attention to commercial and economic prosperity in the long term became the secret of its survival and stability. This research tries to analyze the subject from different angles based on the historical research method with a descriptive approach and referring to the original sources.

KEYWORDS

Al-Qaward, Seljuk, Iran, Kerman.

نشریه علمی

تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

عوامل پایداری حکومت محلی سلجوقیان کرمان

مهرداد رونقی^{۱*}، جواد سخا^۲، مسعود محمدی^۳

چکیده

سلجوقیان کرمان یا آل قاورد (۴۳۲-۵۸۳ق) یکی از حکومت‌های مهم محلی در تاریخ سلجوقیان، توسط قاورد در کرمان شکل گرفت و به مدت یکصدوپنجاه سال از کرمان تا سواحل عمان را زیر سیطره خود داشت. این حکومت منشأ تحولاتی در اقتصاد و تجارت زمینی و دریایی شد؛ بطوریکه در این دوره کرمان به یکی از پایگاه‌های تجاری در قلمرو حکومتی سلجوقیان بزرگ تبدیل شد. اگرچه به دلیل بروز چالش بین سلطان ملکشاه و قاورد، چند جنگ رخ داد که موجب تیرگی روابط فی‌مابین شد، ولی سرانجام بین آنها صلح برقرار گشت و از آن پس آل قاورد سعی کردند در منازعات شاهزادگان و حکومت مرکزی دخالت نکنند. هدف از این پژوهش شناسایی عوامل بقا و تداوم این سلسله محلی، آن هم در دوران بحرانی پس از مرگ ملکشاه است. نتایج تحقیق نشان داد که نگرش سیاسی جانشینان قاورد نسبت به حکومت مرکزی مبنی بر عدم مداخله در منازعات سلجوقیان و توجه آنها به شکوفایی تجاری و اقتصادی در درازمدت، رمز بقا و پایداری حکومت سلجوقیان کرمان شد. این پژوهش تلاش دارد تا بر اساس روش تحقیق تاریخی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و در حوزه‌ی مطالعات کتابخانه‌ای، موضوع را از زوایای مختلف مورد واکاوی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی

آل قاورد، سلجوقیان، ایران، کرمان.

^۱دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران.
^۲گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران.
^۳استادیار گروه تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، قزوین، ایران.

نویسنده مسئول:

مهرداد رونقی

رایانامه:

Mehrdadronaghi 202020@gmail.com

استناد به این مقاله:

رونقی، مهرداد؛ سخا، جواد و محمدی، مسعود (۱۴۰۲). عوامل پایداری حکومت محلی سلجوقیان کرمان. دوفصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۲ (۱)، ۱۳۷-۱۴۸.

<https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/>

مقدمه

درباره قاورُد و جانشینان او و جایگاه آنان در تاریخ سلجوقیان و مرتبط با مسئله این تحقیق، پژوهشی جامع صورت نگرفته است. از جمله پژوهش‌های مرتبط با موضوع این تحقیق - و نه مسئله تحقیق - عبارتند از: «بررسی تحلیلی اقدامات اقتصادی حکومت محلی سلجوقیان کرمان» (مرسلپور و محمد پیری، ۱۴۰۰) که در زمینه وضعیت اقتصادی سلجوقیان کرمان در این پژوهش می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. همچنین پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «سلجوقیان در عصر سلطان سنجر» در دانشگاه فردوسی توسط سعادت‌فر به نگارش درآمده که در فصل‌های ابتدایی آن به مهاجرت ترکمنان به ایران اشاراتی شده است. همچنین مقاله «اصلاحات و بی‌ثباتی سیاسی در دوره‌ی سلجوقی» از اسماعیل حسن‌زاده را می‌توان نام برد. همین نویسندگان در پژوهشی دیگر «تحلیل انتقادی روایت‌های واقعه یورش غز به خراسان (سال ۵۴۸ ه.ق.)» به پیامد یورش غزها در خراسان اشاره دارد.

عباس اقبال آشتیانی در «تاریخ ایران بعد از اسلام» نیز اشاراتی به حکومت قاوردیان کرمان دارد ولی کافی نیست. لمبتون در آثار خود مطالب پراکنده‌ای در مورد قاوردیان کرمان ذکر نموده است. ناصرصدقی در کتاب «سلجوقیان در تاریخ ایران» در مورد روند تجزیه نظام سیاسی سلجوقی و ابوالقاسم فروزانی در کتاب «سلجوقیان از آغاز تا فرجام» در فصل دوم در مورد سلسله‌های محلی سلجوقیان، همچنین در کتاب «تاریخ جامع ایران» در بخش سوم در مورد اقتصاد سلجوقیان نتایج بررسی‌هایی در این موضوع ارائه شده است، اما در هیچ کدام از این پژوهش‌ها و موارد مشابه انجام شده به عوامل پایداری آل قاورُد در دوره سلجوقیان پرداخته نشده است. این پژوهش تلاش دارد تا بر اساس شیوه‌ی پژوهش‌های تاریخی و بر اساس مدارک و اسناد باقی‌مانده به عوامل پایداری حکومت محلی سلجوقیان کرمان بپردازد.

هدف این پژوهش، بررسی چگونگی شکل‌گیری حکومت سلجوقیان کرمان و استمرار آن، چرایی و چگونگی این استمرار می‌باشد. به نظر می‌رسد، موقعیت جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی قلمرو سلجوقیان کرمان، پیشینه حکمرانان کرمان پیش از سلجوقیان، سیاست‌های جانشینان قاورُد و تبعیت از حکومت مرکزی به خصوص شخص سلطان و نیز شرایط حاکم بر امور سیاسی ایران در آن دوره بر این امر تأثیر نهاده است، اندیشه‌ای که مقرر است در این بررسی مورد کنکاش قرار گیرد.

منابع تاریخی، کمتر به سلجوقیان کرمان پرداخته‌اند. گزارش‌های مرتبط با این خاندان در متون تاریخ نگاری سلجوقیان نیز در حد اشاره

سلجوقیان پس از ظهور اسلام اولین حکومتی بودند که توانستند قلمرو خود را در سرتاسر ایران گسترش دهند و حکومتی نیرومند را به وجود آورند. آنها از لحظه‌ای که وارد جهان اسلام شدند، اسلام را به عنوان پشتوانه فکری خود پذیرفتند. از سوی دیگر با کمک فرهیختگان ایرانی، دیوانسالاری گسترده‌ای تشکیل دادند و با کمک آن، حکومت مقتدر سلجوقی را به نحو مطلوبی اداره نمودند. یکی از چالش‌های پیش روی حکمرانان سلجوقی، مقابله با تمایلات گریز از مرکز سران طوایف سلجوقی و تطبیق آنان با سنت‌های حکمرانی در سرزمینی بود که به تصرف درآورده بودند. این تمایلات در برخی موارد به شکل‌گیری حکومت‌های محلی در قلمرو آنان منجر شده بود.

یکی از ایالاتی که ابتدا به شکل اقطاع به یکی از اعضای ارشد خاندان سلجوقی واگذار شد، کرمان بود. ایالت کرمان به ملک قاورُد شاهزاده سلجوقی، برادر سلطان آل برسلان داده شد. او بعداً در کرمان حکومتی پی افکند که حدود ۱۵۰ سال دوام آورد.

کرمان در دوره سلجوقیان، به سرزمینی اطلاق می‌شد که از شرق به سیستان و مکران، از شمال به خراسان بزرگ، از غرب به فارس و از جنوب به دریای فارس محدود بود. کرمان در روزگار سلاجقه در دوره حکومت محلی آل قاورُد (۴۳۳-۵۸۲ ه.ق.) از رونق تجاری، اقتصادی برخوردار بود (لسترنج، ۱۳۸۳: ۳۲۱).

در حقیقت تأسیس حکومت قاوردیان، اولین انشعاب سیاسی در حکمرانی سلجوقیان بزرگ محسوب می‌شود که به تشکیل حکومت نیمه مستقلی در کرمان منجر شد. نزدیکترین انشعاب سیاسی دیگر، حدود ۴۰ سال پس از آنان و با تشکیل حکومت‌های سلجوقیان روم (۴۷۰-۷۲۲ ه.ق.) و سلجوقیان شام (۴۷۲-۵۱۱ ه.ق.) صورت گرفت. شکل‌گیری هر سه حکومت، در دوره سلجوقیان بزرگ (۴۲۹-۵۵۲ ه.ق.) انجام گردید، با این تفاوت که شورش و جدایی طلبی قاورُد و تشکیل حکومت او و فرزندانش در کرمان در دوره اوج حکومت سلجوقیان و معاصر با حکمرانی ملک‌شاه سلجوقی (۴۶۵-۴۸۵ ه.ق.) صورت پذیرفت. از سوی دیگر سلجوقیان روم و شام، در خارج از قلمرو اصلی سلجوقیان بزرگ قرار داشتند و سلجوقیان کرمان نه تنها در سرزمین اصلی حکمرانی سلجوقیان، بلکه در مجاورت مراکز حکمرانی آنان بودند. گزارش‌های مرتبط با این خاندان در متون تاریخ نگاری بیشتر محدود به تواریخ محلی است. خصیصه کم پیدایی قاوردیان در منابع تاریخ نگاری، دامن گیر پژوهش‌ها نیز شده است. در حقیقت تاکنون

آلبارسلان و ملک‌شاه مقتدرانه بر قلمرو وسیعی حکمرانی نمودند. طغرل جهت راضی نگه داشتن خاندان و همچنین کنترل نمودن ولایات، نواحی متصرفی را بین خاندان خود تقسیم نمود. بطوریکه سرزمین بین جیحون و غزنه شامل سرخس و بلخ به مرکزیت مرو از آن چغری بیک؛ بست، هرات و حوالی سیستان از آن موسی بیغو؛ طغرل بیک به‌عنوان سلطان به مرکزیت نیشابور، حاکم منطقه ایران و عراق شد. اعضای خاندان درجه دوم سلجوقی، نظیر ابراهیم بنال، قلمش و قاورد به ترتیب به حکومت نواحی کوهستانی جوزجان، دامغان و کرمان تعیین شدند که همه آنها تحت امر سلطان طغرل بودند (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۲۷۱).

قاورد با استفاده از فرصت به دست آمده قدرت را در دست گرفت. از سوی دیگر دلیل انتخاب قاورد بر حکمرانی ولایت کرمان این بود که؛ قاورد بن چغری بنیانگذار سلجوقیان کرمان، برادرزاده‌ی طغرل بیک بود و طغرل پس از مرگ برادر بزرگترش، چغری بیک به احترام وی، قاورد را حاکم کرمان نمود.

چگونگی استقرار قاورد در ایالت کرمان

هم زمان با ورود قاورد به کرمان، شاخه‌ای از دیالمه بر این سرزمین حکومت می‌کردند که تحت اقتدار فرمانروایی به نام ابوکالیجار، قرار داشتند. این امیر دیلمی که مرکز حکومتش شیراز بود، سرانجام شکست خورد. بهرام، نایب ابوکالیجار، مصلحت را در صلح با قاورد دید و با دادن زهر به ابوکالیجار دیلمی، حکومت کرمان را تسلیم قاورد کرد (کرمانی، ۱۳۸۶: ۴-۲۰). قاورد سرانجام در سال ۴۵۵ه.ق. بر فارس تاخت و بر شیراز مسلط شد و سراسر فارس را برای سلجوقیان آرام ساخت (مستوفی، ۱۳۳۹: ۴۷۲).

نخستین مشکل آلبارسلان در آغاز حکومت، شورش قاورد بود که سلطنت آلبارسلان را تهدید می‌کرد. لذا بین او و آلبارسلان در نزدیکی دامغان، جنگی رخ داد که سپاه قاورد منهزم شد و او مجبور به مطاوعت از آلبارسلان شد و آلبارسلان نیز او را عفو کرد و وی را به کرمان برگرداند (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۱۰۲).

در سال ۴۶۵ق. هنگامی که ملک‌شاه قصد نشستن بر تخت سلطنت و جانشینی پدرش را داشت، او مجدداً بر ملک‌شاه عاصی شده و در نتیجه سپاهی جمع‌آوری کرد و به نبرد با ملک‌شاه آمد، ولی در نزدیکی کرج از او شکست خورد. قاورد در ابتدا خواهان جنگ نبود، اما به اصرار امرا در آن جنگ شرکت کرد و در حین جنگ یکی از لشکریان که نیم بدنش در روی اسب و نیم دیگرش بر زمین افتاده بود، را مشاهده کرد که موجب تزلزل روحیه او شد. در نتیجه، لشکریان او به دلیل اینکه، فرمانده نمی‌دانست چه باید کند، متواری

است. در تاریخ نگاری‌های عمومی نیز همچون ابن اثیر، گزارش‌ها بسیار کوتاه است. در این میان مهمترین گزارش‌ها را باید در معدود تواریخ محلی کرمان یافت. در این پژوهش سعی خواهد شد در حد امکان از تمامی این منابع استفاده گردد.

شکل‌گیری قدرت سیاسی سلجوقیان کرمان

با فروپاشی ساسانیان، اقوام بسیاری از سرزمین‌های همجوار به داخل فلات ایران وارد شدند. از جمله این اقوام ترکمنان بودند که قادر شدند حکومت‌های قدرتمندی را شکل دهند. دلیل ورود اقوام ترک به قلمرو ایران، وجود دشتهای وسیع با انبوهی از مراتع، زمین‌های حاصل خیز و انبوهی جمعیت بود. آنان دارای نظام قبیله‌ای و صحراگردی بودند و اطاعت محض از رئیس قبیله بر محور شیخوخیت داشتند و زندگی آنها کوچ رو بود. پراکندگی و عدم تمرکز در مفهوم رهبری ترکان از نقاط ضعف ساختار حکومت سلجوقیان بود (کلوزنر، ۱۳۸۱: ۱۹). در شیوه زندگی و رهبری غزهای سلجوقی مرتع اهمیت زیادی داشت. مهم ترین مساله آنان دستیابی به مراتع جدید بود (کاهن، ۱۳۸۵: ۱۴). از ویژگی‌های اصلی غزها هرج و مرج طلبی و نفاق داخلی بود. (گروسه، ۱۳۷۹: ۲۶۹). بنابراین ترکمنان تمرکز گریز بودند و از تمرکزگرایی بدور بودند. تفکر سنتی- ایلی- قبیله‌ای داشتند، اما با ورود به ایران تحت تأثیر فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و دیوانی قرار گرفتند و به تبعیت از نظام دیوانسالاری ایرانی، پیوند با خلیفه عباسی و برکناری امرای آل بویه توانستند حکومتی مقتدر در ایران و در نواحی وسیعی چون: گرجستان، آسیای صغیر، انطاکیه و در کل از کاشغر تا دریای مدیترانه تشکیل دهند.

در آغاز، آنها به سرپرستی روسای خود به نامهای یغمر، بوقا و کوکناش تا حوالی ری پراکنده شدند. ایجاد مزاحمت و دخالت آنها با روستانشینان و اقدام آنها به غارت و چپاول اموال مردم، فکر حکام را به خود مشغول کرده بود. بطوریکه مسعود غزنوی چند تن از فرماندهان خویش را مأمور تحقیق در امور آنها کرد (بییهقی، ۱۳۷۳: ۵۰۸). اقدامات غزنویان برای تنبیه ترکمنان، موجب تشدید غارت‌های آنان شد. در تاریخ سیستان آمده که: «سرزمین‌های زیادی توسط آنان مورد غارت و حمله قرار گرفتند» (تاریخ سیستان، ۱۳۸۱/ ۱: ۳۶۵) و پیروزی‌هایی به دست آوردند به طوری که نبرد دندانقان نقطه عطفی در شکل‌گیری حکومت آنان محسوب می‌شود. آنها سرانجام قادر شدند با غلبه بر غزنویان و دیگر رقیبان، قدرت را به دست گیرند و به گفته بنداری: «این چنین از عالم خاک بر قله افلاک رسیدند» (بنداری، ۱۳۵۶: ۱۰۷).

حکومت سلجوقی در دوران سه سلطان نخستین، طغرل،

استمرار و پایداری سلجوقیان کرمان

مدعای این تحقیق بر این استوار است که سلجوقیان کرمان از نظر طول دوره حکمرانی، در مقایسه با دیگر خاندان حکومتگر سلجوقی، جایگاه قابل توجهی دارند. سلجوقیان کرمان از آغاز تصرف و استقرار قاورد در کرمان در سال ۴۳۳ق تا سقوط آخرین بازمانده این خاندان، محمد بن بهرام شاه در سال ۵۸۳ ق حدود یکصد و پنجاه سال به عنوان یک حکمران محلی با قلمروی گسترده در شرق و جنوب شرقی ایران، حکمرانی کردند. بررسی مقایسه‌ای دوره حکمرانی آنان در مقایسه با حکمرانی شاخه اصلی سلجوقیان و دیگر خاندان حکومتگر سلجوقی یعنی؛ شام و روم، نشان از دیر پایی این حکومت دارد (جدول ۲ و نمودارهای ۱ و ۲). مدت حکومت آنها تقریباً با کل دوره حکمرانی سلجوقیان برابر است. تقریباً طول دوره سلجوقیان کرمان، اندکی کمتر از سه برابر حکومت سلجوقیان شام است. در مقایسه با طول دوره حکمرانی سلجوقیان روم نیز علیرغم شرایط سیاسی، جغرافیایی و نظامی آنان، پایداری حکومت سلجوقیان کرمان قابل توجه است.

شدند و قاورد شکست خورد. او خود نیز به جنگلهای اطراف پناه برد. اما توسط امیران ملکشاه دستگیر شد (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۳۰). در این هنگام سپاهیان ملکشاه که بر قاورد پیروز شده بودند، طلب ناپاره (اقطاع) نمودند. خواجه نظام‌الملک با مساعی ملکشاه تصمیم گرفتند، برای آنکه لشکر را آرام نمایند، قاورد را مسموم و مقتول کنند (راوندی، ۱۳۶۳: ۱۲۷). ملکشاه نیز برای آنکه اولاد قاورد فتنه‌ای ایجاد نکنند، تصمیم گرفت به کرمان حمله نموده و اولاد او را از بین ببرد. اما خواجه نظام‌الملک این کار را صلاح ندید. لازم به ذکر است هنگامی که بین قاورد و ملکشاه جنگ در گرفت دو تن از فرزندان قاورد یعنی؛ سلطان‌شاه و امیرانشاه نیز شرکت داشتند. یکی از ترکمنان پسر بزرگتر قاورد، سلطان‌شاه را برداشته و با خود به کرمان برد و ملکشاه پس از چندی که آتش خشمش از اولاد قاورد فروکش کرد، سلطان‌شاه را به حکومت ایالت کرمان گماشت (شبانکاره ای، ۱۳۶۳: ۱۰۲). جانشینان قاورد ۱۱ تن بودند که از سال ۴۶۵ تا ۵۸۳ ه.ق. حکومت کردند. دوره حکمرانی آنان در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. خاندان قاورد (افضل الدین ابوحامد کرمانی، ۱/۱۳۸۶)

حکمرانان	سال شروع (ق)	سال پایان (ق)	حکمران معاصر از شاخه اصلی سلجوقیان
قاورد	۴۴۰	۴۶۵	آلب ارسلان و ملکشاه یکم
کرمانشاه	۴۶۵	۴۶۶	ملکشاه یکم
رکن‌الدین سلطان‌شاه	۴۶۷	۴۷۷	ملکشاه یکم
محبی‌الدین عمادالدوله تورانشاه	۴۷۷	۴۹۰	ملکشاه یکم / برکیارق
بهاء‌الدین ایرانشاه	۴۹۰	۴۹۵	برکیارق
ارسلانشاه اول پسر کرمانشاه بن قاورد	۴۹۵	۵۳۷	برکیارق / ملکشاه دوم / محمد یکم / احمد سنجر
مغیث‌الدین ابوالفوارس محمد اول پسر ارسلانشاه	۵۳۷	۵۵۱	احمد سنجر
محبی‌الدین طغرل شاه پسر محمد اول	۵۵۱	۵۶۳	احمد سنجر
بهرام‌شاه پسر طغرل شاه	۵۶۳	۵۷۰	فروپاشی سلجوقیان بزرگ
ارسلانشاه دوم پسر طغرل	۵۷۰	۵۷۲	فروپاشی سلجوقیان بزرگ
تورانشاه دوم پسر طغرل	۵۷۲	۵۷۹	ملک دینار اغز
محمد دوم پسر بهرام شاه	۵۷۹	۵۸۳	توسط ملک دینار غز فروپاشید

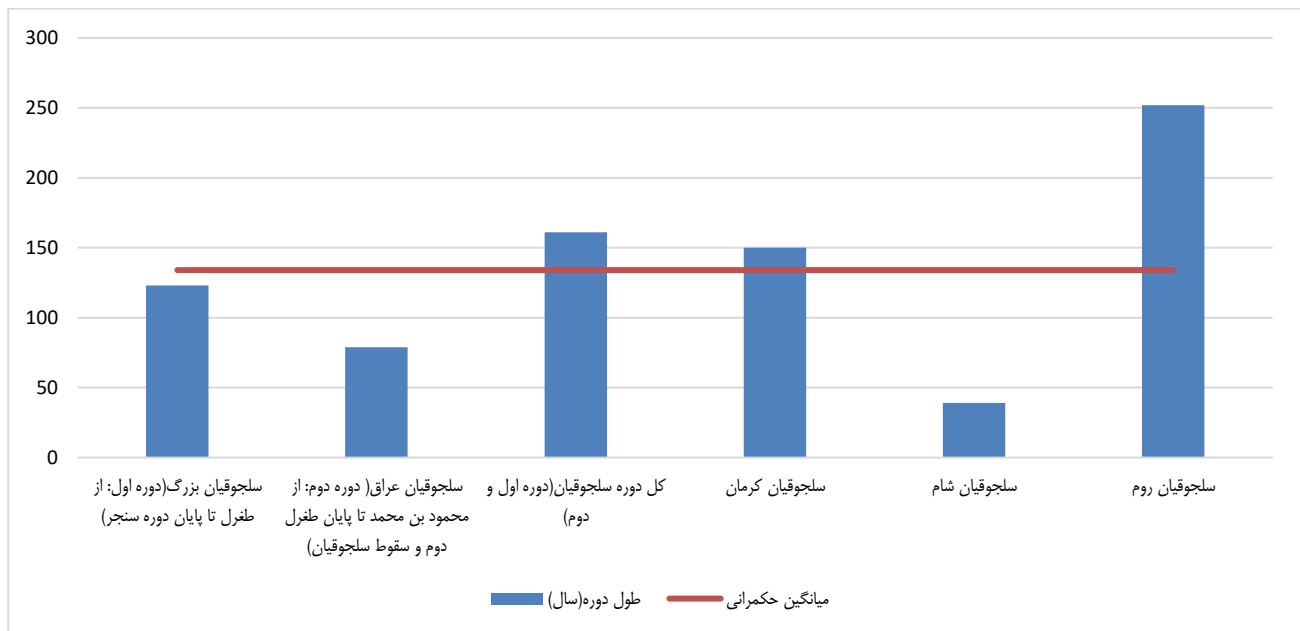
جدول ۲. مقایسه طول دوره حکمرانی خاندان‌های سلجوقی^۱

خاندان حکمرانی	سال شروع (قمری)	سال پایان (قمری)	طول دوره (سال)
سلجوقیان بزرگ (دوره اول: از طغرل تا پایان دوره سنجر)	۴۲۹	۵۵۲	۱۲۳
سلجوقیان عراق (دوره دوم: از محمود بن محمد تا پایان طغرل دوم و سقوط سلجوقیان)	۵۱۱	۵۹۰	۷۹
کل دوره سلجوقیان (دوره اول و دوم)	۴۲۹	۵۹۰	۱۶۱
سلجوقیان کرمان	۴۳۳	۵۸۳	۱۵۰
سلجوقیان شام	۴۷۲	۵۱۱	۳۹
سلجوقیان روم	۴۷۰	۷۲۲	۲۵۲

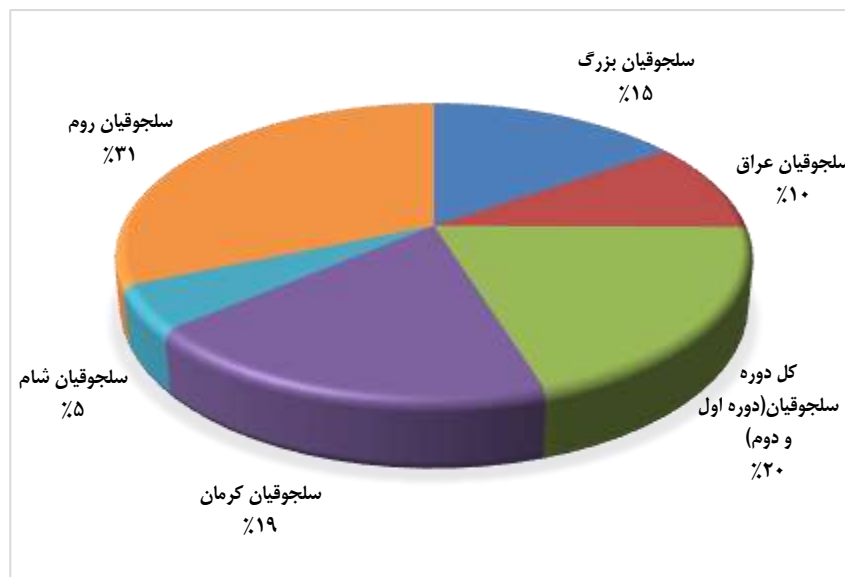
۱. تدوین تاریخ‌های شروع و پایان دوره بر اساس کتاب «دولت‌ها و سلسله‌های حاکم بر قلمرو اسلام»، حاصل ترجمه و تالیف و تکمیل سید صادق سجادی است (سجادی، ۱۳۹۸). این اثر خود حاصل پژوهش‌های استثنایی لین پل، ولادیمیر وویچ بارتولد، خلیل ادهم و احمد سعید سلیمان است. همچنین به کتاب «سلسله‌های اسلامی جدید راهنمای گاهشماری و تبارشناسی» اثر ادموند کلیفورد باسورث توجه شده است (باسورث: ۱۳۸۱: ۳۵۷-۳۶۰ و ۴۰۹).

سلجوقیان روم و با اختلاف اندکی از کل دو دوره سلجوقیان، سلجوقیان کرمان، رتبه سوم (۱۹ درصد) را دارند. به منظور تعمیق این یافته، این موضوع از وجه دیگری نیز قابل توجه است. سنوات حکمرانی سلجوقیان در شاخه اصلی و سه شاخه دیگر حکمرانی در مجموع ۶۰۲ سال است. از این سالها، سهم سلجوقیان روم، ۴۲ درصد، شاخه اصلی سلجوقیان، ۲۷ درصد و سلجوقیان کرمان با رتبه سوم، ۲۵ درصد است (نمودار ۳).

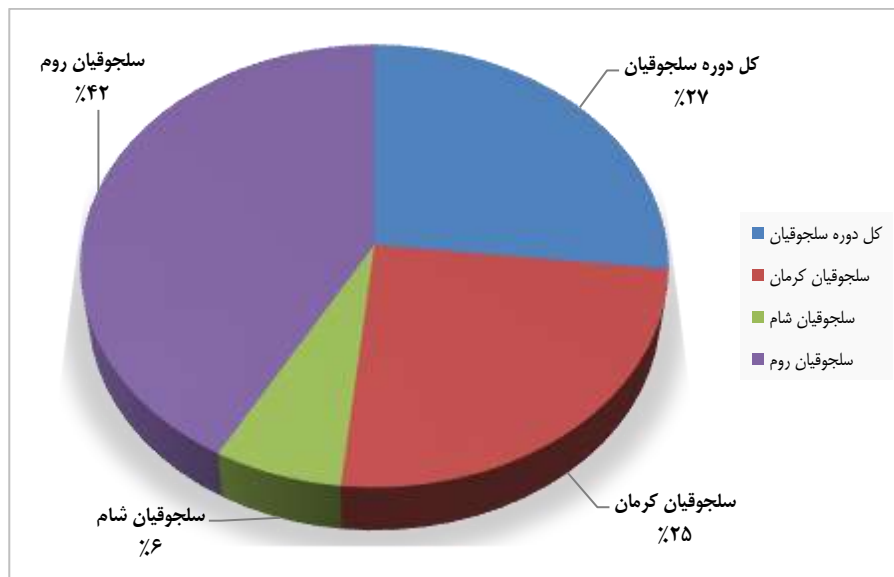
در نمودار ۱ نشان داده شده که میانگین دوره حکمرانی خاندان مورد بررسی در این جامعه آماری، ۱۳۴ سال است. دوره سلجوقیان کرمان بیش از میانگین دوره حکمرانی کل این خاندان است. این چهار خاندان به تنهایی و یا همراه با یکدیگر و یا معاصر با دیگر حکومتها از سال ۴۲۹ تا ۷۲۲ ق حکمرانی داشتند، طول این دوره ۲۹۳ سال است. از این دوره طولانی، سهم سلجوقیان کرمان ۱۹ درصد است. نمودار شماره دو نشان می دهد که پس از



نمودار ۱. میانگین طول دوره حکمرانی خاندان حکمران سلجوقی



نمودار ۲. مقایسه درصد در کل دوره تاریخی



نمودار ۳. درصد حکمرانی طول دوره

کرمان در دوران حکمرانی سلجوقیان از اهمیت ویژه ای در بعد سیاسی، تجاری و اقتصادی برخوردار گردید.

فقدان سلاطین مقتدر در خاندان قاورد

اگرچه قاورد یک سلسله نیمه مستقل را فراهم کرد، اما همواره تحت تبعیت سلجوقیان بزرگ بود. بعد از او آل قاورد نیز سیاست مدارا و سازش را برای حفظ کرمان در پیش گرفتند. سلجوقیان کرمان پس از قاورد، دو سیاست را سرلوحه کار خود قرار دادند؛ سیاست پذیرش تابعیت سلجوقیان بزرگ و دیگری، تلاش در عدم ورود به منازعات داخلی آنان. همچنین آنها با درایت، در منازعات و درگیری های برون مرزی سلجوقیان دخالت نمی کردند. سلطان‌شاه دوازده سال در کرمان حکومت کرد و پس از او تورانشاه، به حکومت کرمان رسید. در زمان سلطنت دوازده ساله سلطان‌شاه، ملک‌شاه مجدداً به قصد سرکوبی خاندان قاورد به کرمان لشکر کشید. او گمان می کرد که سلطان‌شاه به کین خواهی پدرش قاورد، قصد فراهم کردن نیرو را دارد. چون ملک‌شاه و سپاهش به بردسیر رسیدند «سلطان‌شاه در شهر بردسیر متحصن شد و به لباس خضوع متلبس شده و به قدم خشوع پیش آمده و گفت که مرا چهل خواهر است که به حکم خویش ناموس سلطان است، کرم و فتوت سلطان عالم روا ندارد که به دست خربندگان لشکرگاه افتند» (کرمانی، ۱/۱۳۸۶: ۴۷۱).

ملک‌شاه او را بخشید، اما چون قبل از جنگ قسم خورده بود، که کرمان را خراب کند، لذا برای تصدیق سوگند خود دستور داد؛

با توجه به طول دوره حکمرانی سلجوقیان کرمان و مساله مورد تحقیق، بررسی چرایی و چگونگی این امر، در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد.

الف: عوامل و دلایل داخلی

کرمان پیش از به قدرت رسیدن آل قاورد

کرمان یکی از ایالات مهم سرزمین ایران بوده، که موقعیت جغرافیایی و شرایط متنوع آب و هوایی این منطقه باعث شده، که این ایالت نقش مؤثری در سیاست و تجارت حکومت ها ایفا کند. قبل از اسلام این ایالت به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب ایران همواره مورد توجه حکومتها بود. در زمان خلفای عباسی، کرمان در معرض حمله «زطها» قرار گرفت (افضل کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۰۳). یعقوب لیث در سال ۲۵۳ ق ناحیه کرمان را از محمد بن طاهر گرفت، حکومت یعقوب و برادرش، عمرولیث، اثر خوبی در ناحیه کرمان داشت که همه این موارد بیانگر جایگاه و اهمیت سیاسی و اقتصادی شهر کرمان می باشد. با مرگ عمرولیث در سال ۲۸۹ ق دوباره خلافت عباسی بر آنجا مسلط شد. در سال ۳۱۵ ق ابوعلی بن الیاس از جانب سامانیان بر کرمان حکومت کرد (مسکویه، ۶/۱۳۷۶: ۳۶۰-۳۷۰) و با آل بویه در افتاد. در این هنگام کرمان به تصرف آل بویه درآمد. پس از یک دوره هرج و مرج، غزنویان در سال ۳۲۴ ق بر ناحیه کرمان مسلط شدند، تا اینکه این ایالت مهم به آل قاورد رسید و بر اهمیت اقتصادی آن با توجه به تصرف بنادر مهم جنوبی بیش از پیش افزوده شد. بنابراین

و خلافت عباسی مانع توجه به شرق می شد و این خود فرصتی بود برای سلجوقیان کرمان که با گسترش ارضی در جنوب شرق ایران و تسلط به سواحل و بنادر جنوب و توسعه تجارت دریایی که در دراز مدت دستاوردهای اقتصادی زیادی برای آنها داشت را فراهم آورند.

اوضاع اقتصادی کرمان در زمان قوردیان

اقتصاد کرمان معمولا بر دو پایه‌ی اصلی استوار بود، بخشی از آن به مانند دیگر مناطق ایران، تکیه اصلی بر کشاورزی بود و بخشی نیز به تجارت و دادو ستد بستگی داشت. کرمان به دلیل موقعیت ممتاز جغرافیایی دارای جایگاه ویژه ای برای کشاورزی بود، اما به دلیل خوی بیلبان گردی قبایل سلجوقی کرمان، نه تنها از این جایگاه ممتاز بهره نبرد، بلکه با بی توجهی سلجوقیان به قنات‌هایی که از دوره های قبل در کرمان ساخته شده بود، شاهد افول محصولات کشاورزی و تخریب زیر ساخت های آن به ویژه در ابتدای حکومت سلجوقی هستیم (افضل کرمانی، ۱۳۲۶: ۳۵-۸۸). بخصوص در جنگ‌های جانشینی در کرمان به دلیل کشتار زیاد اهالی و جنگ های خونینی که بین شاخه آل قاورد و فرزندان وی به دلیل جانشینی رخ داد، (ارسلان‌شاه، بهرام شاه، تورانشاه) خود یکی از دلایل سقوط کشاورزی در این سرزمین به شمار می آمد. علاوه بر این از آنجا که ترکان صحراگرد، خود نیز دارای گله های زیادی بودند، خود این گله ها نیز آفتی به حساب می آمدند؛ چون ترکمنان مزارع کشاورزی را به چشم مرتع می دیدند. همچنین سیل ویرانگر طوایف اغز در اواخر حکومت قوردیان و تخریب زیر ساخت‌های کشاورزی، باعث تضعیف این نعمت بیش از پیش شد (مرسلپور، پیری، ۱۴۰۰: ۸-۱۰).

با این حال علیرغم صدمه دیدن کشاورزی در این دوره، شاهد تلاش هایی به منظور بهبود اوضاع کشاورزان هستیم. استقرار آرامش در کرمان در دوره قاورد و جانشینان او، تقریبا صدمات وارده کاسته شد و کشاورزی در زمان وی از موقعیت ممتازی برخوردار گردید (مرسلپور، پیری، ۱۴۰۰: ۸-۱۰). همچنین ترکان به دلیل اینکه قرن ها در سرزمین ایران و چین، که البته بیشتر در مرزهای چین می زیستند، با تجارت آشنا بودند. جاده ابریشم از منطقه حضور صحراگردان می گذشت و سبب رونق نسبی برای صحراگردان نیز بود. برخی از آنها مراقبت از راهها و تجار را بر عهده داشتند و گوسفندان خود را به فروش می رساندند (رایس، ۱۹۶۱: ۲۵-۲۶). قاورد با تصرف جنوب کرمان در سال ۴۵۲ق یعنی بندر هرمز (احتمالا جنوب میناب کنونی) را به قلمرو خود

تا یک برج از قلعه‌ی کهن که آن را برج فیروز، می‌نامیدند را خراب سازند. ملک‌شاه هفده روز بعد، لشکر خود را بدون آنکه جنگی صورت گرفته باشد، باز گرداند (کرمانی، ۱/۱۳۸۶: ۳۵۹). چون سلطان‌شاه پس از چندی در گذشت، کسی از اولاد قاورد جز پسرش عمادالدوله تورانشاه، باقی نمانده بود. امرا به بم رفتند و او را به دارالملک بردسیر آورده و در سال ۴۷۷ه.ق. به تخت نشاندند. ترکان خاتون زوجه ملک‌شاه، امیری به نام اتر را به قصد ستاندن فارس از تورانشاه روانه کرد (وزیری کرمانی، ۱۳۴۰: ۸۸). در اثنای جنگ تیری به تورانشاه اصابت کرد، اما لشکریان او پایمردی کردند و اتر را فرار دادند. یک ماه بعد تورانشاه در اثر همان زخم درگذشت. مستوفی مرگ او را در ۴۸۹ه.ق / ۱۰۹۶ م می‌داند.

با وجود آنکه تورانشاه به عمران و آبادانی اهمیت فراوانی می‌داد، اما جانشین بعدی او یعنی؛ ایران‌شاه پادشاه عیاشی بود که ایام خود را بر شراب و لیالی بر خواب می‌گذرانید و با اشخاص بی اعتقاد دوستی داشت. «چنانچه شخصی به نام کاکا بنیمان، از نزدیکان او که فردی ملحد بود، وی را دلیر گردانید؛ تا چند قاضی و عالم را هلاک کرد. به همین دلیل علما و قضات او را به اسماعیلی بودن متهم کردند و مردم نیز او را کشتند. او پنج سال در کرمان حکومت کرد» (مستوفی، ۱۳۳۹: ۴۷۲).

پس از مرگ ایران‌شاه کسی از اولاد قاورد نبود که بر تخت بنشیند. علما و قضات خواستند؛ خارج از اولاد او کسی را برای سلطنت انتخاب نمایند. اما برخی مردم به آنها اعلام کردند؛ که در محله «کوی گبران» جوانی است به نام ارسلان‌شاه، که می‌گویند پسر کرمان‌شاه است، پس او را به پادشاهی رساندند (مستوفی، ۱۳۳۹: ۴۷۳). او پادشاهی عادل بود و بر دهقلنان سخت نمی‌گرفت. دربار او مرکز دانشمندان هندی، چینی و حبشی بود و به آنها نیز احترام می‌کرد (کرمانی، ۱/۱۳۸۶: ۳۸۳).

سلجوقیان کرمان و سیاست نگاه به شرق

دور افتادگی کرمان از خراسان بزرگ و مرکز ایران و نیز بغداد موجب شد، این ایالت غالبا در اولویت دوم سلجوقیان بزرگ قرار گیرد. همچنین امکان گسترش قلمرو آل قاورد در شرق موجب شده بود که سلجوقیان کرمان به غرب توجه نکنند و کمتر موجب تعارض ارضی با سلجوقیان بزرگ شود. قاورد و جانشینان او چندین بار به شرق و ایالت فارس، سیستان و حتی به عمان دست یافتند، اما هیچ وقت چشم داشتی به قلمرو سلجوقیان بزرگ در غرب نداشتند و به غرب حمله نکردند (کرمانی، ۱/۱۳۸۶: ۴۰۵). ازسوی دیگر توجه حکومت مرکزی نیز به غرب خصوصا بیزانس

ب: عوامل و دلایل خارجی

چالش‌های آغازین سلجوقیان با بازماندگان آل بویه و تنظیم مناسبات با دستگاه خلافت عباسی از یک سو و سپس دغدغه‌های آنان با رومیان و دیگر مراکز قدرت در غرب آن‌ها بود تا آنان را کمتر متوجه شرق و کرمان سازد. از سوی دیگر درگیری‌های درون‌خانانی سلجوقیان پس از طغرل و به‌خصوص پس از ملک‌شاه، فرصت تعمیق توجه سلجوقیان به کرمان را از آنان بازستلند. این موارد در ابتدا موجب شد تا قاوورد بتواند از فرصت به دست آمده در جهت تحکیم پایه‌های قدرت خود بهره‌گیری کند. پس از آن نیز این امکان را فراهم آورد تا جانشینان او، از دل مشغولی‌های سلجوقیان بزرگ در غرب و نیز درگیری‌های داخلی آنان، بهره‌گیری کنند.

در عهد سلطنت طغرل دوره‌ای از کشاکش داخلی در درون دودمان آل بویه به وضوح دیده می‌شود که در آن چند تن از فرزندان ابوکالیجار که دست کم نه تن از آن‌ها شناخته شده‌اند شرکت داشتند. سه رهبر برجسته و نامدار سلجوقی خود را موالی امیرالمؤمنین خواندند و با این عمل آل بویه را سخت در وحشت فرو بردند. هنگامی که طغرل بر نیشابور دست یافت و لقب سلطان المعظم به خود داد و باب مناسبات سیاسی با خلافت بغداد گشود، طولی نکشید که ضعف و ناتوانی آل بویه به وضوح دیده شد. به خصوص زمانی که طغرل به بغداد لشکر کشید (بیهقی، ۱۳۷۳: ۵۵۳) همگان تصور کردند که هجوم او به بغداد در واقع جهاد برای رهایی خلیفه از دست آل بویه‌ی شیعه است. حقیقت این است که تمایلات شیعی ارسلان بساسیری، فرمانده لشکریان ترک بغداد، خلیفه را واداشت که به طغرل رو آورد و تمایل به او پیدا کند تا در زیر سایه‌ی قدرت طغرل ادامه‌ی حیات دهد. نزدیکی و پیوند بین دو خاندان سلجوقی و عباسی از بزرگ‌ترین رخداد‌های دوره سلجوقی به شمار می‌آید. مخالفت سیاسی و مذهبی سلجوقیان با آل بویه موجب شد تا خلفا آسوده‌خیال گردند و کار آل بویه را به سلجوقیان وانهند. با این حال همراهی خلافت با سلجوقیان، زمان بسیاری به طول نینجامید و تراحم سیاسی نورسیدگان سلجوقی با خلافت، بستری را برای چالش‌های این دو قدرت فراهم آورد که تا پایان دوره سلجوقیان از خصیصه‌های اصلی در بستر سیاسی این دوره است.

چالش دیگر سلجوقیان در غرب، رومیان بودند. پس از پیروزی سلجوقیان در نبرد دندانقان، خلیفه بر آن شد تا ترکان را با خود همراه کرده و از قدرت آن‌ها در برابر دشمنانش استفاده کند.

افزود و به امن کردن راه‌ها پرداخت تا تجارت دریایی را رونق بخشد (منشی، ۱۳۶۲: ۱۸).

از سوی دیگر تصرف عمان توسط قاوورد، نشان از توجه آنان به تجارت بود. عمان که بر کرانه آب‌های آزاد قرار داشت، از دیرباز اهمیت بسزایی برای تجارت دریایی جنوب غربی آسیا داشت. قاوورد همچنین بندر طیس (تیس/تیز) را در سواحل مکران تحت تصرف خود درآورده و به آباد سازی آنجا پرداخت. جاده‌ای نیز که از طیس ساخته شده که آن را از طریق مکران به سیستان و خراسان و بین‌النهرین و از آنجا به ولگا متصل می‌کرد. از سوی دیگر جاده‌ای، بندر هرمز را به جیرفت و از آنجا به سیستان و سپس به مناطق دیگر وصل می‌کرد. بدین ترتیب قاوورد با در اختیار گرفتن بندر هرمز و طیس و از سوی دیگر عمان، توانست تجارت دریایی را تحت سیطره خود در آورد. ارسال‌شاه حتی قدرت خود را گسترش داده و بندر (قیس) کیش را نیز به تصرف خود در آورد (افضل کرمانی، ۱۳۲۶: ۶۸-۶۹). به نظر می‌رسد این اقدامات بر رونق تجارتی کرمان تاثیر نهاده است.

علاوه بر راه‌های دریایی، قاوورد و جانشینانش به راه‌های خشکی و تجارت از این مسیر نیز توجه ویژه‌ای داشتند و حتی در دوره کرمانشاه، کرمان مرکز مبادله کالا از سراسر مناطقی بود که از چین و روم و حیشه و هندوستان و خراسان و دیگر مناطق جهان مبادله می‌کردند (افضل کرمانی، ۱۳۲۶: ۶۸-۶۹).

یکی دیگر از موارد رشد و بهبود تجارت در کرمان مسئله اقطاع بود. اگرچه اقطاع به طور کلی باعث ضربه به کشاورزی و تجارت می‌شد، اما در کرمان نه تنها، چندان آسیبی به تجارت و کشاورزی وارد نکرد، بلکه به نظر می‌رسد این موارد را تقویت هم کرده باشد، به ویژه با روی کار آمدن قاوورد و دید اقتصادی که او نسبت به سرزمین کرمان داشت.

عامل دیگر رونق تجارت همانطور که قبلاً هم گفته شد امنیتی بود که توسط آل قاوورد در کرمان بوجود آمده بود. همه این عوامل باعث شد تا کرمان در دوره سلجوقیان به عنوان یکی از مناطق آباد قرار گیرد، بطوریکه شبانکاره‌ای درباره توران‌شاه می‌نویسد: «بنیاد عدلی و انصافی نهاد که اهل کرمان را حیات تازه آمد... و چندان خیر و صدقات فرمود که درویش در کرمان نماند» (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳، ۱۹۰). کرمانی اشاره دارد، توران‌شاه به عمران و آبادانی اهمیت زیادی می‌داد. چنانچه در کنار سرای خود مسجد جامع، مدرسه، خانقاه، بیمارستان و گرمابه‌ای ساخت (افضل کرمانی، ۱/۱۳۸۶: ۳۵۹).

نتیجه‌گیری

سیاست سلجوقیان کرمان در این دوره متکی بر عدم دخالت در مجادلات سلجوقیان بزرگ، اتکا بر کسب مشروعیت سیاسی و مقبولیت از طریق عمران و آبادانی ملک و برقراری عدالت در جامعه بود تا بتوانند؛ دوام حکمرانی خود را حفظ کنند. از عوامل دیرپایی حکومت سلجوقیان کرمان می‌توان، عدم دخالت سلجوقیان ایالت کرمان در منازعات سلجوقیان بزرگ بخصوص در بحران جانشینی (اختلافات درون خاندانی) همچنین جغرافیای تاریخی و مستعد ایالت کرمان را نام برد. کرمان در ابتدا از جایگاه سیاسی، تجاری و اقتصادی ممتازی برخوردار بود. جانشینان قاورد نیز با آگاهی از این امر به تدریج همان سیاست قاورد را در حفظ بندرهای مهم جنوبی و تسلط بر عمان ادامه دادند و با تسلط بر شاهراههای مهم تجاری، بر رونق و آبادانی این ایالت بیش از پیش افزودند. عامل دیگر دیرپایی سلجوقیان کرمان توجه به بهبود اوضاع اقتصادی کرمان بود. رونق کشاورزی و تجاری و دادوستد با دیگر مناطق و سرزمین‌ها باعث رونق اقتصادی کرمان شد.

از سوی دیگر درگیری‌های جانشینی در بین خود سلجوقیان بزرگ، مانع از توجه سلجوقیان بزرگ به کرمان شد. درگیری سلجوقیان بزرگ با آل بویه بویژه در ابتدای حکومت سلجوقیان بزرگ و در نهایت اختلاف با خلفای عباسی و نیز توجه به قدرتهای غرب قلمرو سلجوقیان چون رومیان باعث شد تا سلجوقیان بزرگ کمتر به کرمان و آل قاورد توجه کنند. اگر چه قاورد و جانشینان او همواره تبعیت خود از حکومت مرکزی را در رأس امور قرار داده بودند و حکومت مرکزی نیز به آنان توجه داشت و این سیاست همزیستی مسالمت آمیز دو سویه بود.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین ابواسحاق. (۱۳۵۲). **الکامل فی التاریخ**. ترجمه عباس خلیلی، ابوالقاسم حالت. تهران: انتشارات علمی.
- باسورث، (۱۳۸۱). **سلسله اسلامی**، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بنداری اصفهانی، محمد. (۱۳۵۶). **تاریخ سلسله‌ی سلجوقی (زبدۀ النصر و نخبۀ العصر)**. ترجمه محمدحسین جلیلی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- بیهقی، ابوالفضل. (۱۳۷۳). **تاریخ بیهقی**. به‌کوشش خلیل خطیب‌رهبر. تهران: انتشارات مهتاب.
- تاریخ سیستان، (۱۳۸۱). **تصحیح محمد تقی بهار**، جلد اول. تهران: انتشارات معین.

در سال ۴۴۶ ق طغرل به قصد تصرف تبریز رفت. ابونصر و هسودان بن محمد، حکمران تبریز، از طغرل بیک اطاعت کرد و حتی پسر خود را به عنوان گروگان نزد طغرل فرستاد. سپاهیان حکمران تبریز، اطاعت طغرل را پذیرفتند و طغرل با کمک سپاهیان خود و سپاهیان حکمران تبریز، قصد « ملازگرد » کرد. هدف او یاری رساندن به ابراهیم ینال در جهاد علیه رومیان بود. ابراهیم ینال در سال ۴۴۰ ق با کمک غزه‌هایی که از ماوراءالنهر وارد شدند، بر رومیان تاخت و ملازگرد و ارزنة‌الروم را تصرف کرده و جنگ سختی با رومیان انجام داد؛ ولی سرانجام نتیجه‌ی قطعی از جنگ گرفته نشد و گاهی سپاهیان ابراهیم ینال و گاهی نیز سپاهیان رومی به پیروزی رسیدند. با این وجود غنائم زیادی از رومیان به دست سلجوقیان افتاده بود (ابن اثیر، ۱۶/۱۳۵۲: ۲۵۰؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۴۲۸). اوج درگیری‌های سلجوقیان با رومیان، در صحنه ملازگرد و در نبرد آل ارسلان با رومیان متجلی شد. گرچه در این نبرد، پیروزی از آن سلجوقیان بود ولی دغدغه‌های غرب، هیچ‌گاه، آنان را آران نهد.

دل مشغولی دیگر سلجوقیان در غرب، چشم داشتن به رفتار خلفای فاطمی مصر بود. یکی از وقایع مهم دوره طغرل بیک، فتنه‌ی ارسلان بساسیری در سال ۴۴۹ ق بود. او از فرماندهان ممالیک بود که به دستور المستنصر بالله خلیفه‌ی فاطمی مصر قصد تصرف بغداد را داشت. وی توانسته بود شهرهای اطراف بغداد را به راحتی تصرف کند و چون مانعی در سر راه خود مشاهده نکرد، بغداد را نیز متصرف شد و القائم بالله خلیفه عباسی را دستگیر و زندانی کرد. خلیفه به کمک یکی از یارانش در زندان پیغامی برای طغرل بیک فرستاد. طغرل در این زمان برای ساکت کردن مجدد برادرش ابراهیم ینال از بغداد دور بود و نمی‌توانست به خلیفه القائم مدد رساند. او ابتدا شورش برادر را دفع کرد و سپس در اجابت نامه‌ی خلیفه با سپاهیانش به سوی بغداد حرکت کرد (نیشابوری، ۱۳۴۲: ۱۹-۲۰).

با انتشار خبر حرکت طغرل به بغداد، بساسیری که به مدت یک سال (۴۵۰ - ۴۴۹ ق) بغداد را تحت تسلط خویش داشت، این شهر را رها کرده و به طرف شام حرکت کرد. طغرل بیک پس از ورود به بغداد و آزادی خلیفه از زندان به تعقیب او پرداخت. یکی از سرداران طغرل به نام «امیر گمشدگان» توانست ارسلان بساسیری را اسیر ساخته و نزد طغرل بیک آورد. طغرل نیز سر ارسلان بساسیری را از بدنش جدا کرد و در دارالخلافه بغداد آویخت (مستوفی، ۱۳۳۹: ۴۳۳).

گروسه، رنه (۱۳۷۹). *امپراطوری صحرائوردان*، ترجمه عبدالحسن میکده، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

لسترینج، کی، (۱۳۳۷). *جغرافیای تاریخی*، ترجمه محمد عرفان، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه، نشر کتاب.

لمبتون، آن.کی.اس، (۱۳۶۳). *سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مرسلپور، محسن، پیری، محمد، (۱۴۰۰)، «*بررسی تحلیلی اقدامات اقتصادی حکومت محلی سلجوقیان کرمان*» پژوهش نامه تاریخ‌های محلی ایران، سال نهم، شماره دوم، صص ۵۱-۶۰.

مستوفی، حمدالله، (۱۳۳۹). *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۶). *تجارب الامم*. ترجمه ی علینقی منزوی، تهران: توس.

منشی، ناصرالدین، (۱۳۶۲). *سمط العلی للحضره العلیا*. تصحیح عباس اقبال. تهران: انتشارات اساطیر.

نیشابوری، ظهیر الدین. (۱۳۳۲). *سلجوقنامه*. به کوشش محمد رضانی. تهران: نشر کلاله خاور.

وزیری کرمانی، احمدعلی، (۱۳۴۰)، *تاریخ کرمان (سالاریه)*، به کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: انتشارات ابن سینا.

Rice, Tamara. T. (1961). *The Seljuks in Asia minor*, London, Thomas and Hudson

حسن‌زاده، اسماعیل. (۱۳۹۱). «*تحلیل انتقادی روایت‌های واقعه یورش غز به خراسان (سال ۵۴۸ق)*». مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهشنامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ. سال سوم، شماره ۱ دوازدهم، صص ۲۵-۵۱.

راوندی، محمدبن علی بن سلیمان، (۱۳۶۳)، *راه الصدور آیه السرور*، به تصحیح محمد اقبال، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.

سعادت‌فر، براتعلی (۱۳۷۷). «*سلجوقیان در عصر سلطان سنجر*». دانشگاه فردوسی مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد (۱۳۶۳). *مجمع الانساب*، به کوشش میر هاشم محدث، انتشارات تهران: امیر کبیر.

کاهن، کلود (۱۳۸۵). «*بر آمدن ترکان*»، ترکان در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.

کرمانی، افضل‌الدین ابوحامد، (۱۳۲۶). *بدایع الازمان فی وقایع کرمان*، فراورده مهدی بیانی، تهران: بی جا.

کرمانی، افضل‌الدین ابوحامد، (۱۳۷۳). *سلجوقیان و غز در کرمان*. مقدمه، تصحیح و تحشیه: محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: انتشارات کورش.

کرمانی، افضل‌الدین ابوحامد، (۱۳۸۶). *سلجوقیان و غز در کرمان*، محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: ناشر علمی، جلد اول

کلوزنر، کارلا (۱۳۸۱). *دیوانسالاری در عهد سلجوقی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.